

بنامست جشن اول ماه مه

درد به طبقه کارگر قهرمان ایران

درد به طبقه‌ای که ستاره رهبری او نخستین سالهای ولادت بر پیشانی وی میدرخشید هنوز نوزادی بیش نبود که در انقلاب مشروطه شرکت جست و ضیبت شست نشان داد. هنوز دهنوم قرن بیستم آغاز نشده بود که سازمان سیاسی خود را بوجود آورد و بعنوان عنصری مستقل در جنبش ضد استبداد و ضد استعماری بعمل پرداخت. انقلابی حزب کمونیست ایران با نهضت جنگل و شرکت نمایندگان وی در دولت انقلابی بگواه آن بود که طبقه کارگر ایران بصورت نیروی موثری در جامعه ایران درآمده است. تحلیل طبقاتی جامعه ایران و طرح تشکیل جبهه انقلابی واحد که برای نخستین بار از طرف حزب کمونیست ایران انجام گرفت با وجود نقائص و اشتباهاتش حاکی از آن بود که انقلاب ایران راهبردی نویسی فراز آمده است. طبقه کارگر ایران بیکبارترین نیرو بر ضد حکومت مستبد و دست نشانده رضاشاه بود و هم او بود که در دومین کنگره حزب خود انقلاب مسلحانه را در دستور روز قرار داد. اینکه چندین سال پس از شکست حزب کمونیست ایران عدای از روشنفکران برهمنی انقلابی ارجحندی چون دگرگوانی بمواضع طبقه کارگر پیوستند نشانه آن بود که طبقه کارگر بصورت وجدان اجتماعی خلق ایران درآمده است.

پس از شهریور ۱۳۲۰ نخستین طبقه‌ای که قدم در میدان نبرد طبقه کارگر بود و یگانه حزب معتبری که در ایران تشکیل شد حزب طبقه کارگر یعنی حزب توده ایران بود (که متأسفانه امروز بدست ریزینیستها در سرانسیب سقوط افتاده است). از این بیعتد طبقه کارگر دوران پرتلاطم و آموزنده‌ای از اشکال مختلف مبارزه را مانند میتینگ، دموکراسیسم، اعتصاب، درگیری با پلیس و ارتش از سر گذرانید و اشکال مختلف سازمانی خود را مانند اتحادیه صندوق تعاون و حزب تکامل بخشید. بدون تردید در تاریخ اخیر ایران طبقه کارگر کشور ما که روز بروز بیشتر به آیدئولوژی مارکسیسم-لنینیسم مجهز میشود در بیداری و رهبری توده‌های زحمتکش بهترین نقش را ایفا کرده است. در این مدت طبقه کارگر در مرکز تاریخ کشور ما قرار داشته است. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در زنده‌ترین حملات ارتش و امپریالیسم پر طبقه کارگر و نمایندگان سیاسی وی صورت گرفت. هم اکنون نیز محمدرضاشاه با آنکه شعبده حزب بازی را برای فریب مردم لازم می‌شمارد و عدای از روشنفکران، دانشجویان و اصناف و غیره را باین بازی جلب کرده است جرأت ندارد به طبقه کارگر نزدیک شود تا مبادا این "غول خفته" را بیدار کند. "سهم کردن کارگران در سود کارخانه" در کار هست، "سندیکای خالی از عضو و غاری از سیاست" در کار هست، ولی جلب کارگران حتی با حزب سیاسی شوم‌اخفته نیز در میان نیست زیرا که محمدرضاشاه بازیگر از بازی با آتش می‌ترسد.

طبقه کارگر ایران در احوال آنکه تا آخر انقلابی است، بهترین از هر طبقه دیگر تشکیل می‌پذیرد. با مرفقی ترین رشته اقتصاد یعنی صنعت سروکار دارد و رشد او با رشد صنعت همراه است. آیدئولوژی او یعنی مارکسیسم-لنینیسم یگانه آیدئولوژی علمی و تا آخر انقلابی است، تجارب او در مبارزه بیش از هر طبقه دیگر است. بحق شایستگی رهبری انقلاب ایران را دارد.

انقلاب دموکراتیک و ملی ایران بدون چنین رهبری نمیتواند بقیه درص ۲

نهمین کنگره حزب کمونیست چین

رفقای ارجحند

نهمین کنگره حزب کمونیست چین را که بزرگترین کنگره آن حزب و حادثه‌ای عظیم در نهضت کمونیستی جهانی است بنام و بوسیله شما بهمه اعضا، حزب و بهمه خلق پر افتخار چین تجلیل می‌گوتیم.

در اهمیت این کنگره همین بس که پیروزی اندیشه مائوتسه در آن را اعلام میدارد. کنگره نهم تجارب انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی و تجارب مبارزه بر ضد ریزینیسم معاصر را جمع بندی خواهد کرد. حزب کمونیست چین و خلق چین در این هر دو جبهه به پیروزیهای درخشان نائل آمده‌اند.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی که بر پایه اندیشه مائوتسه درون و برهبری او انجام گرفت بقاء طبقات و ضرورت مبارزه طبقاتی را در تمام دوران دیکتاتوری پرلترتا را تأیید کرد و راه رهبری این مبارزه راه جلوگیری از قدرت یافتن طبقات سرنوکن شده و احیای سرمایه داری راه ریشه کن ساختن بوروکراسیسم را به جهانیان نشان داد.

انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی با افشاء دارو دسته مترسند لیوشائوس و سرکوب این عمال نقابدار سرمایه‌داری و با تشکیل کمیته‌های انقلابی در سراسر چین (باستثنای جزیره تایوان) امید امپریالیستها و ریزینیستها را در تغییر سرشت انقلابی حزب کمونیست و جمهوری توده‌های چین به یاس مرگ آوری میدل ساخت. انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی چین بجهانیان آموخت که چگونه باید آیدئولوژی بورژوازی را بر انداخت و زرف ترسین نهاد بشری را محول کرد. آموخت رفیق مائوتسه درون در باره انقلاب کبیر فرهنگی پرلترتی بسزای همه خلق های انقلابی جهان که سازندگان جامعه سوسیالیستی همه کمونیست‌هایی که در کشورهای مختلف ریزینیسم بسر میبرند حای اهمیت درجه اول است.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایط نقیبت و تشکیل احزاب و گروههای مارکسیستی-لنینیستی که در زیر درفش ظفر بخش تمایم مارشال انگلس، لنین، استالین و مائوتسه در مبارزه در شاهراه انقلاب روان اند. در شرایط شکست ریزینیسم معاصر در کلیه جبهه ها تشکیل میشود. تحریکات ریزینیست‌ها شوروی در مرز جمهوری توده‌های چین که در زمینه همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا صورت میگیرد در برخورد با سد پولادین هفتصد میلیون خلق انقلابی آیدید چین در هم شکست و در افکار عمومی جهان با شکست عظیم سیاسی روبرو شد.

بدون تردید این امر در افشاء ماهیت ریزینیست‌ها و بیداری خلق شوروی که آنهمه سنن بزرگ انقلابی دارد و مانند همه خلق های جهان در مبارزه با امپریالیسم و ساختن جهان نسو دوست و دستیار خلق چین است تأثیری بس مهم داشته و خواهد داشت.

نهمین کنگره حزب کمونیست چین در شرایطی تشکیل میشود که کامیابیی جمهوری توده‌های چین در زمینه سلاح آتشی پیشرفت شکست انگیز را در پرورش علمی و در امر تولید صنعتی بسسه جهانیان اعلام داشته خربه شکننده‌های بر سیاست شان تا از امنی امپریالیسم آمریکا و ریزینیسم شوروی وارد ساخته مشوقه معتبری برای صلح جهانی بدست داده به خلق هائی که در آمازادی و استقلال مبارزه میکنند امیدی نوین بخشیده است. ما بیین مردم که حزب کمونیست چین از این کنگره یکپارچه نیرومندتر با خلق پیوسته‌ترین خواهد آمد و جمهوری توده‌های چین که در وعده ناپدید سوسیالیسم و مهد انقلاب جهانی است در تحول انقلابی جهان نقشی ساز هم بیشتر و قاطعی بازی خواهد کرد.

ما برای حزب بزرگ کمونیست چین و خلق پرافتخار چین پیروزیهای روزافزونی خواستاریم.

ما برای پیشوای پرلترتاریای جهان رفیق مائوتسه درون عمر دراز آرزو مندیم.

موفق باد نهمین کنگره حزب کمونیست چین.

برافراشته باد درفش ظفر بخش آموزش مارکس-لنگس-لنین!

استالین و مائوتسه درون.

استوار باد انتقاسیونالیسم پرلترتی.

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان

۱۹۶۹/۱/۲

پراکندگی سازمانی و تمرکز رهبری

که مراعات این قاعده که حزب یا سازمانی که یکدیگر یا حقوق می سازند میتوان از آن چشم پوشید. در اجرای اصل پنهانکاری آموختن تجارب دیگران، بگراونده اخذن فکر و ابتکار خود همساز مبتناسب شرایط مشخص، بد گرفتن از افراد حزب و توده‌های پیر می‌تواند بنتایج مطلوب بیاید. مائوتسه در مورد روشهای سازمان را باناگامی مواجه گرداند.

علی رغم مراعات حد اکثر پنهانکاری مشکل میتوان در تمام گوشه های حزب و برای همیشه از دستبرد دشمن برکنار ماند. در حال حاضر دشمن نیروی بسیاری دارد و ربهارزه از وسائل و امکانات فراوانی برخوردار است. ما بزرگسازمان را تا زمانی چندانی در از مسائل و امکانات محدود و حتی ناچیز است در ضمن مبارزه با پلیس و سازمان امنیت هنوز تجربه ای نیندوخته ایم. با ایس ترتیب احتمال اینکه دشمن موفق گردد در گوشه ای از حزب دستبرد ی بزند کم نیست. از این روشنگر سازمانی حزب باید طوری باشد که ضایعه بعد اقل تقلیل یابد. محدود بهمان گوشه کرد و وسوسه سر حزب توسعه پیدا نکند. اصل پراکندگی سازمانی در صورتیکه با داناشی و با دقت مراعات گردد این منظور را برخواهد آورد.

اصل پراکندگی سازمانی باین معنی است که دسترس سازمانی باین از آنجه که در علق باشد در سطح است، یعنی بجای آنکه در فکرا ایجاد سازمانی وسیع در یک نقطه مثلا در یک شهر باشیم وسیع دنبال تحقق آن برویم (آنگونه که تاکنون معمول بوده است) لازم است توجه خود را قبل از هر چیز با ایجاد سازمانهای کوچک پراکنده ای در نقاط مختلف کشور، در شهرها و روستاها در هات معطوف در از، همین اصل پراکندگی سازمانی را در صورتیکه باشهری بزرگ میسر بقیه درص ۲

هیئت حاکمه ایران و در بر آن شاه باندازه ای از جنبش مردم بیمناک است که هرگونه سازمان یا کانونیکه از خلق برخیزد و بخلق تکیه داشته باشد با بیرحمی شگرفی سرکوب میکند. واکنش شدید شاه در مقابل هرگونه جنبش خلق نشانه قدرت وی نیست. نشانه ضعف اوست، نشانه آنست که وی علی رغم انقلابات ۲۰ گاه خود نتوانسته است در میان توده های مردم پایگاهی برای خود بیاید.

در برابر واکنش سبعمانه طبقات حاکمه، حزب طبقه کارگری ادامه و توسعه مبارزه باید تا نگری سازمانهای خود را از دستبرد دشمن مصون نگاه دارد و در صورتیکه بخشی از آن مورد دستبرد قرار گرفت قادر باشد فعالیت خود را دنبال کند، سازمانهای خود را گسترش دهد و آن نیروی را که از دست داده است دوباره بدست آورد.

برای آنکه بتوان سازمانهای حزب را از تعرض پلیس سازمانی امنیت دور نگاه داشت باید پنهانکاری را بعد اکثر مراعات کرده افراد سازمان را حتی القدر و کتر بیکدیگر شنا ساند و در آنجا که تماس افراد (تماس زنده) ناگزیر است این تماس بدون کتر نام افراد یا اطلاق بانام مستعار صورت گیرد، نه تنها اختلافات با پیروزی است بلکه اطلاع هر فرد از آدرس محل اقامت دیگری زیانمند است و باید از آن دوری گزید. باید وسائل و طرقی یافت که بکم آنها بتوان در صورت لزوم ارتباط افراد را بدون آنکه میان آنها ملاحظاتی دست دهد برقرار کرد. چنین وسائل و طرقی کم نیست، کافیت افراد در فکرو ابتکار خود را بکار آند از آنجه برای آنکه پیوسته راههای تازه و تازه تری بیابند. اختلافی ناپدید و افراد از یکدیگر قاعده نیست کلی که باید آنرا اکید محمول داشت. تعدد لک در حالات استثنائی

گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

مبانی تشکیلاتی حزب طبقه کارگر



نوشته زیرین خلاصه ایست از بخشی از تاریخ حزب کومینست اتحاد شوروی که بوسیله کمیسیونی برپا شد استالین تنظیم شد و در سال ۱۹۳۸ انتشار یافت. در این نوشته آموزش دهنده درباریهایی تشکیلاتی حزب طبقه کارگر جمع بندی شده است.

۱- حزب مارکسیستی و بخشی از طبقه کارگر است، گردانی از آن است. طبقه کارگر گردانندهای بسیاری دارد. ولی هر گردان طبقه کارگر را نمیتوان حزب طبقه کارگر نامید. وجه تمایز حزب از سایر گردانهای طبقه کارگر، پیش از همه در آنست که حزب کارگر گردان عادی نیست بلکه گردان پیش آهنگ گردان آگاه و گردان مارکسیست طبقه کارگر است و یادانش زندگی اجتماعی با دانش قوانین تکامل زندگی اجتماعی و با دانش قوانین مبارزه طبقاتی مجهز است و بالتبع نتیجه میتواند هادی طبقه کارگر باشد و مبارزه او را رهبری کند. از اینجهت همچنانکه نباید جز او را با کلی مشقیه ساخت نباید حزب را با طبقه کارگر مشقیه ساخت.

۲- حزب نه فقط گردان پیش آهنگ و آگاه طبقه کارگر است بلکه گردان مشکل طبقه کارگر هم هست و از انضباطی که برای اعضا وی حتمی میباشد برخوردار است. از اینجهت اعضای حزب ضرورتاً باید عضو یکی از سازمانهای حزب باشند. اگر حزب گردان مشکل طبقه کارگر نباشد اگر حزب سیستمی از سازمانها نباشد بلکه مجموعه ساده ای از افرادی باشد که خودشان خود را اعضا حزب میخوانند و وارد هیچیک از سازمانهای حزب نمیشوند یعنی مشکل نیستند و بالتبع نتیجه به تبعیت از تصمیمات حزب نرسیده در آن صورت هیچگاه حزب او را به واحد نخواهد داشت هرگز نخواهد توانست وحدت عمل اعضا خویش را تحقق بخشند و بنابراین به رهبری مبارزه طبقه کارگر قادر نخواهد شد. حزب فقط در صورتی میتواند مبارزه طبقه کارگر را عملاً رهبری کند و آن طبقه را پسروی هدف واحدی در حرکت آورد که همه اعضایش در گردان واحدی که در اثر اراده واحد و وحدت عمل و وحدت انضباط یک پارچه شده است مشکل شده باشند.

۳- حزب نه فقط گردان مشکل است بلکه در میان کلسیه سازمانهای طبقه کارگر «عالیترین شکل سازمان» است که وظیفه رهبری سایر سازمانهای طبقه کارگر را بر عهده دارد. حزب به مثابه عالیترین شکل سازمان و مرکب از بهترین افراد طبقه کارگر است و پیوسته با دانش قوانین مبارزه طبقاتی و تجربه جنبش انقلابی مجهز است. همه گونه امکان دارد که سایر سازمانهای طبقه کارگر را رهبری کند و موظف است که رهبری کند.

۴- حزب نظیر ارتباط گردان پیش آهنگ طبقه کارگر است که با توده های ملین طبقه کارگر - حزب آگاهی بهترین گردان پیش آهنگ باشد و اگر عضوین مشکل باشد معادل یک بدن ارتباط با توده های غیر حزبی بدون گسترش این ارتباط بدون تحکیم آن نمیتواند زیست کند و رشد یابد. حزبی که از توده های از توده های کارگران و ارتباط با طبقه خود را از دست بدهد و پلحنی ست گرداند اعتماد و پشتیبانی توده ها را از دست خواهد داد و بالتبع نتیجه بناچار فنا خواهد شد. حزب برای آنکه بزندگی کامل برسد و رشد یابد باید ارتباط با توده ها را افزایش بدهد و از اعتماد توده های ملین طبقه خویش برخوردار گردد.

۵- حزب برای آنکه درست کار کند و توده ها را منظم رهبری کند باید بر پایه مرکزیت تشکیل یابد و با آئین نامه واحد و انضباط واحد با ارگان واحد رهبری که عبارتست از کنگره حزب و در فاصله بین کنگره ها هیئت مرکزی حزب با تبعیت اقلیت از اکثریت با تبعیت هیئت مرکزی از سازمانها از مرکز با تبعیت ارگان های پائین از ارگانهای بالا بدون این شرایط حزب طبقه کارگر نمیتواند حزب واقعی باشد نمیتواند وظائف خود را در رهبری طبقه کارگر انجام دهد.

البته چون حزب در شرایط استبداد تزاری در حال تغییر قانونی بسر میبرد نمیتواند سازمانهای حزبی در آن روزگار بر اساس انتخابات از پائین ساخته شوند و حزب ناگزیر بود کاملاً

مخفی باشد. ولی لنین بر آن بود که این عارضه موقت در حیات حزب ما از نخستین روزی که تزارسم برافتد از میان برویخیزد. حزب آشکار و مانونی میگردد و سازمانهای حزب بر اساس انتخابت در مکرانیک بر اساس مرکزیت مکرانیک ساخته خواهند شد.

۶- حزب در فعالیت عملی خود اگر میخواهد وحدت و صفت خویش را حفظ کند باید انضباطی را واحدی را که برای همه اعضا حزب از رهبران گرفته تا افراد ساده به طور یکسان حتمی باشد برقرار گرداند. از اینرو تقسیم حزب به «خواص» که انضباط برای آنها حتمی نیست و «غیر خواص» که ملزم تبعیت از انضباط اند نباید وجود داشته باشد. بدون این شرط، حفظ تمامیت حزب و وحدت صفوف آن غیر ممکن است.

لنین می نویسد:

«پروتاریا در مبارزه برای تحصیل قدرت سلاح دیگری جز سازمان ندارد. پروتاریا که در اثر سطر رقابت پر هرج و مرج جهان بورژوازی بنظره گرفتار می آید در زیر فشار کار تو انفرسایر سرمایه منکوب میگردد و پیوسته به اعماق فقر کامل به هم می پیوستند و رانده میشوند فقط آنگاه میتوانند بصورت نیرویی غلبه ناپذیر در آید که وحدت فکری اش بر اساس اصول مارکسیسم بوسیله وحدت مادی سازمان تحکیم یابد و چنان سازمانیک ملین بنا بر زحمتکش را در ارتش طبقه کارگر بهم پیوند دهد.»

چشم بیندگی!

رویزیونیستهای حزب توده ایران در دفاع از دوستی روزیونیستها شوروی و محمد رضا شاه چنین نوشته اند:

مخالفان بهبود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی به تناقضی عجیب گرفتار آمده اند. اخیراً در کتاب «محکوم کردن کنگ» کشورهای سوسیالیستی با ایران از «خمارت» کشورهای سوسیالیستی در ایران نیز صحبت میشود. مخالفان بهبود مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی با «شوری غارت» در تناقض با «تئوری کنگ» افتاده اند. چون اگر کسی به کسی کمک میکند دیگر غارتچی معنی ندارد و اگر کسی دیگری را غارت میکند دیگر از کمک سخنی نمیتواند باشد.

گذشته از این اگر آنطور که مخالفان میگویند بهبود مناسبات کمک به مردم ایران نیست بلکه کمک به رژیم است پس غارت هم غارت مردم نیست، غارت رژیم است. و اگر کمک به مردم ایران است پس غارت مردم ایران بمعنی است.

مجله دنیا شماره ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶

این تفاوت رویزیونیستها از آنجا سرچشمه میگردد که رژیم محمد رضاشاه را با مردم ایران در یک عرض قرار داده و نتیجیسه گرفتارند که هر نوازشی بر محمد رضاشاه نوازشی بر مردم ایران و هر نیشی بر محمد رضاشاه نیشی بر مردم ایران است.

این تفاوت بخوبی روشن میگردد که رویزیونیستها چگونه از موضع طبقاتی که هر گونه خدمت طبقه حاکمه استنمارگر را خیانت بخلق میدانند بدور افتاده اند. «بالین» شبه استدلال میتوان کمکهای امپریالیستها را نیز تیرش کرد و سعدیها زانسه گفت: اگر کمک است پس غارت نیست و اگر غارت است پس کمک نیست!

ما برای آنکه انحطاط روزافزون رویزیونیستها را نشان بدهیم بنظر عبارت زیرین از شماره دو سال پیش مجله دنیا شماره ۲ سال ۱۳۴۵ (صفحه ۵۶) اکتفا میکنیم:

گاهی هدف کشور کمک دهنده این بوده است که گروه هیئت حاکمهای را تقویت کند که حاضر است به فرمان آنها گردن نهبد و نقشه های آنها را اجرا کند. در موارد متعدد دیگر که فرع بر ملاحظیات سیاسی و یا حقوق الحشی بوده است. در تارویو جنگ سرد اغلب اتفاق افتاده که کمک خارجی در عمل با ناریه توان یا جزئیاتی بیک رئیس گروه نقاشی نداشته است.

پراگندگی سازمانی و تمرکز رهبری بقیه از ص ۱

جمعیت سرکارداریم بگایندیم و بدین ترتیب توسعه هر سازمان در هر جا که باشد حتی در داخل یک شهر و بیرون اگر سخن بر سر شهر بزرگ باشد تدریجاً معینی از عقب پیش روی و پس از آنکه اعضای سازمان بتعداد مناسبی رسیده شوق میگردند که گسترش بعدی حزب بصورت سازمان دیگری در کنار سازمان نخست و بدین ارتباط با آن عملی میشود. سازمانهای جدید بدین ترتیب در کنار هم پدید می آیند. از یک طرف اطلاع میدهند و در صورتیکه یکی از آنها مورد دستبرد قرار گیرد و ادان فعالیت آن ممکن نگردد سازمانهای دیگر که در کنار آنند از این دستبرد مصون میمانند و فعالیت خود ادامه میدهند.

وجود سازمانهای پراکنده مستلزم مرکز رهبری واحد است: مرکزی که این سازمانهای پراکنده را بیکدیگر پیوند دهد فعالیت همه جانبه آنها را وحدت بخشد و هماهنگ سازد. بدون مرکز واحد رهبری فعالیت سازمانها از دو مسائل محلی فراتر نمیرود و چه بسا پس از مدتی در کنار آنها تئوری و پدید می آید و سازمان دستخوش تلاشی میگردد که بدین جهت پراگندگی سازمانی و تمرکز رهبری دوری مختلف یک بدال و دو جهت مختلف یک تضاد است و وجود یکی بدون دیگری امکان پذیر نیست.

دو اصل تشکیلاتی فوق همراه با اصولی نظیر بر جان کیفیت برکت و تلفیق کار عملی با کار ذهنی و نکات دیگری که توجه پیدا در شرایط ایران ضروریست بدون شک بحزب طبقه کارگر امکان میدهد سازمانهای خود را حتی الفقه و وزارت دستبرد دشمن معسور در آید آنها را گسترش دهد و مبارزه خود را در تمام زمینه ها دنبال کند.

وامرهای خلق کرد بقیه از ص ۴... بصورت برای رهبران

از ستم ملی و نبل پستیای کامل حقوق مبارزه کند. نهاد آرینده پس از آنکه اقلیت های ملی کرد در هر سه کشور آزادی خویش را بدست آوردند آنگاه خلق کردستان میتواند تصمیم بگیرد که ستار واحدی بوجود آورد و یا هر کدام در چپا راجوب کشورهایی که در آن آزادای نائل آمده همچنان باقی بماند.

آنچه که امروز اقلیت های ملی ایران و از آن جمله خلق کرد را از حقوق ملی خویش محروم ساخته طبقه حاکم ارتجاعی ایران و امپریالیسم لیسیم پشتیبان آنست. برای بدست آوردن حقوق ملی باید در تقو اول و قبل از هر چیزی سلطه طبقه حاکم را براننداخت و امپریالیسم را ریشه کن ساخت. تضاد خلفهای ایران و امپریالیسم حامی آن تضاد عمده جامعه است بدون حل این تضاد که تضاد هسنای دیگر جامعه ایران و از آنجمله تضاد میان خلفهای ایران و رانزیونیان فیصله آن در حل تضاد های فرضی جامعه ما کمبشاملست. رژیم زورم آنست و بسته بحل تضاد عمده است زنه بالعکس. حل مسئله ملی در ایران یکی از شرایط پیروزی مبارزه عوامی مردم ایران نیست. بالعکس پیروزی مبارزه عوامی مردم ایران بر دشمنان خلقی شرط قطعی حل مسئله ملی است. تکیه بر روی مسئله ملو مقدم شمردن حل آن بر پیروزی انقلاب بجای آنکه مبارزه خلقی ایران و از آنجمله خلق کرد را در مسیر واحدی اندازد کار و راه نظامی و اقتضای خواهد کشانید و مبارزه عوامی مردم ایران را گرفتار شکست و ناگامی خواهد کرد. مبارزه عوامی مردم ایران علیه طبقه حاکم ارتجاعی و امپریالیسم پشتیبان آنها مقدم بر هر مبارزه دیگری است و خلقی کرد وظیفه دارد دست در دست خلقهای دیگر ایران این مبارزه را تا پایان به پیش برد. با پیروزی انقلاب ملی و مکرماً تیک بر رهبری طبقه کارگر آن وظائف انقلاب که جنبه مکرانیک دارد و حل مسئله ملی یکی از آنهاست تحقق خواهد پذیرفت. بدیهیست در جریان انقلاب هرگاه امکان آن پیش آید که در این یا آن بخش از کشور این یا آن وظیفه مکرانیک بتحقیق در آید حزب طبقه کارگر تنها از آن روی نخواهد گردانید بلکه آنرا عامل ضروری پیروفت مبارزه عوامی مردم ایران می شمارد و مسلماً بانجام آن خواهد پرداخت.

چنین است آن راه حلی که برای رعایتی از ستم ملی و سر خوردن از تساوی کامل حقوق در برابر خلقی کرد قرار دارد. سازمان ما آماده است در برابر این مسائل فوق با هر مسئله دیگری که سازوشت خلق کرد مربوط باشد با دوستان کرد بیعت و نیادل نظر پردازد.

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام

نشریات توفان

نشریه شماره ۲ توفان - آموزش خود را از نویسمانم نایا کردیده ولی نشریات دیگر بشرح زیرین در دفتر روزنامه توفان حاضر است :

- ۱- سبک ذهنی در تفکر و عمل
- ۲- اصول مادی فلسفه
- ۳- اعلامیه کمونیستهای انقلابی بلشویک شوروی
- ۴- روزیونیسیم در تئوری و عمل
- ۵- نامه به رفقا

بهای هر نشریه : ۴۰ ریال

دوره توفان

برخی از شماره های دوره سوم ماهنامه توفان که نایاب شده بود تجدید طبع گردیده و اینک مجموعه هائی از دوره سوم توفان از شماره یک تا نوزده ترتیب داده شده است . رفقا و دوستان که خواستار داشتن دوره توفان میباشند میتوانند بدفتر روزنامه بوسیله نامه مراجعه کنند .

بهای هر مجموعه از ۱ تا بیست توفان : ۲۰۰ ریال

خوانندگان گرامی!

برای ادامه حیات ماهنامه توفان - این یگانه زبان مارکسیست لنینیست های ایرانی - که تاکنون بهمت اعضا و هواداران سازمان و عده ای از خوانندگان چرخیده و لازم است همه خوانندگان همه هواداران همه اعضا سازمان توفان به پشتیبانی مالی وی بشتابند .

لک به توفان لک باشاه مارکسیسم - لنینیسم لک بانقلاب ایرانست . از این جهت مصانعه بیماری توفان بشتابیم .

باج سبیل

شاید برخی از خوانندگان مجله تهران اگزومیسیت (۱۳۴۷) که با " اقتصاد ایران آشنای کامل ندارند چنین پیدا اشتنا کنند که شرکت محترم "آبادان ریکرن ایشن سنتر" اقدام غیر اقتصادی انجام داده است .

توضیح آنکه بنا بر نوشته مجله تهران اگزومیسیت اعضا هیئت مدیره شرکت مذکور (مرکب از آقایان امیر محمد شریفی و محمد شهریار و بانو فروز اعظم خواجه نوری) ناگهان نشسته تصمیم گرفتند که در میلیون و پانصد هزار ریال از ۱۱ میلیون ریال سرمایه خود را به والا حضرت شهرام پهلوی "صلح کنند" و ضمناً معظم له را به ریاست هیئت مدیره برگزینند و این تصمیم را فی المجلس علی ساختند .

کسی که به ماهیت "انقلاب شاه و مردم" پی نبرده باشد یقیناً از این خواب نداشتن هیئت مدیره مذکور در شکفت می ماند و با خود میگوید :

شرکی که بیش از یک پنجم سرمایه خود را یک قلم بذل و بخشش میکند عقل معاشی کجا رفته است ؟

ولی این شک و تردید ناشی از بیخبری است . امروزه در ایران شرکت های سابق "بیا" حضرت ابوالفضل" جای خود را به شرکت "با والا حضرت" داده است . با این تفاوت که سابقاً بنام حضرت ابوالفضل معامله میکردند بدون آنکه حد و بنا هم به حساب ابوبتوسند . ولی حالا باید قبل از معامله ضمن معامه و بعد از معامله مبلغی بحساب والا حضرت ها بنویسند .

هیچ بنگاه بزرگ صنعتی و اقتصادی و مالی نیست که سبیل (یا زلف) یکی از افراد خاندان پهلوی را بشکلی از اشکال چرب نکند . در واقع هر یک از افراد این خاندان بطور مرتب از یک یا چند بنگاه معین بصورت هدیه تقدیم چک و واگذاری سهام و صلح کردن قسمتی از سرمایه باج میگیرد .

در زمان رضاخان مرسوم بود که فتوایال های ایران برخی از املاک خود را به رضاخان " صلح میکردند " همه میکردند و یا در قماربویی می باختند تا از غلبت وی در امان بمانند . اینک انقلاب آن نامرحوم بشکل های دیگری به ادامه سنت پدری مشغول اند .

کدام آموختن ؟

آموختن بر دو نوع است ؛ یکی آموختن در کلاس که عبارتست از اکتفا بر همه چیزه خوابشراپی که کمترین سازگار باشد و دوام نیابد . این نوع آموختن خوب نیست . نوع دیگر مهارت است از کار اکتفا مغزها خود آموختن آن چیزی که باشراپی کشور سازگار است یعنی فراگرفتن آن تجربه ای که میتواند برای ما سودمند باشد . اینست آن نوعی آموختن که ما باید برگزینیم

مائتوسه دون

در دوره طبقه کارگر قهرمان ایران بقیه ارض ۱ به پیروی کامل نائل آید و به انقلاب سوسیالیستی بینجامد . وظیفه مارکسیست ها - لنینیست ها فقط تشریح وضع ناگوار طبقه کارگر کمی دستمز و افزونی بیکاری و شیوع برهنگانسی نیست . این کار را لیبرال ها و روزیونیستهای متافک نیز انجام میدهند . وظیفه مارکسیست ها - لنینیستها آماده ساختن طبقه کارگر برای ایفاء نقش تاریخی خود ، نقش رهبری انقلاب ایران است و این امر فقط از راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران بشتابه ستاد طبقه امکان پذیر است .

انگلس میگوید که حزب طبقه کارگر برای تسخیر قدرت باید نخست از شهر به ده برود و در ده نیرومند شود . اهمیت این آموزش انگلس در شرایط امروز که جنگ تودای برای تسخیر قدرت در برنامه ماست نمایان تر میگردد . اندیشه دهمیانه مائتوسه دون در مورد " تسخیر شهر از طریق روستا" تکمیل همین آموزش انگلس است . طبقه کارگر ایران باید از گذشته بیاموزد ، نقش عمده کار خود را که در مورد دهقانان بود بر اندازد و در تودر مساحتان برای سرنگونی نظام کثونی با توده دهقانان پیوند یابد . اتحاد طبقه کارگر با سایر طبقات و قشرهای دموکراتیک مانند خرد بیوزاری شهری ، روشنفکران و بورژوازی ملی فقط در پرتو این پیوند میتواند بر فراز استوار گردد .

چشن اول ماه مه که جشن هیستکی همه کارگران و زحمتکشها و خلق های جهان است در شرایطی آفر میرسد که پیروزی های خطیبی نصیب طبقه کارگر جهانی شده است . در چنین تودای با هفتصد میلیون جرمه متش طبقه کارگر پس از سرکوب روزیونیستها و پیوندگان راه سرمایه داری در کیه رفته ها زمان رهبری را در دست گرفته است . طبقه کارگر و خلق آلبانی بر سرخسار اروپا پرتو مارکسیسم - لنینیسم میافشاند . طبقه کارگر در جهان سرمایه داری روز بروز بیشتر از قید روزیونیسم میرهد و برابری کار قطعی کام میگردد . معاهدت طبقه کارگر جهانی با خلق های منطقه توفان است

در مبارزه بر علیه امپریالیسم و روزیونیسم پیوسته تحکیم مییابد طبقه کارگر کشورهای روزیونیستی برای سرنگون ساختن عاصبان قدرت حزبی و دولتی بیدار میشود . همه این پیروزیها و پیروزیهای طبقه کارگر چین برای طبقه کارگر ایران الهام بخش است جشن اول ماه مه را برپای بداریم و در وفاداری بآرامان مقدس طبقه کارگر ایران و جهان تجدید عهد کنیم . بیاد آوریم مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایرانسترا . همه نیروها را در راه احیاء حزب طبقه کارگر ایران یکسار اندازیم . عمبستگی ما طبقه کارگر جهانی و دفاع از جمهوری تودای چین و جمهوری تودای آلبانی را وظیفه مقدس خود بشتابیم . پرچم سرخ بر افتخار طبقه کارگر پرچم مارکس - انگلس ، لنین - استالین و مائتوسه دون را افزاشته تر نگه داریم فرخنده باد جشن اول ماه مه .

دوره به طبقه کارگر قهرمان ایران .

تبری از ترکش روزیونیسم بقیه از حر ۱ نویسنده وقتی که اثرات اسلحه فروشی روزیونیستها را در " تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران اقتصادی " خلاصه میکند عمدترین طلب را از نظر فرو میگردد که مساعدت روزیونیستها با دولت ایران علی الاصول بر اساس همکاری آنها با امپریالیسم آمریکا در تقسیم جهان قرار دارد . اگر این همکاری وجود نداشت ، اگر روزیونیسم شوروی و امپریالیسم آمریکا طبیعت واخسوسی نداشتند ، چگونه ممکن بود حکومت خرد کمونیست و دست نشاندهای نظیر حکومت ایران دست در دست حکومت شوروی بگذارند و اسلحه و کارشناس از وی بخواهد ؟

در مهر ماه سال گذشته مجله خواننده تپه نوشت که سابقاً " مسلوبه اصل فعالیت کمپانیهای نفتی غرب در خاورمیانه و ایران معترض بود و قرارداد های موجود نفتی خاورمیانه را تحمیلی و غیر قانونی میخواند " ولی اینک گفتارهای رادیسو مسکو حاکی از عدول از این تبلیغ است و از اینجهت - بقبل خواننده تپه - " این گفتارها در محافل تهران جلب توجه کرده است " .

معنای این خبر چیست ؟ معنای اینست که در گذشته ، در روزگاری که هنوز روزیونیسم خون رهبران شوروی را سیاه نه کرده بود مسکو به امپریالیستها میگوید : ایران را بحال خود بگذارید ، از سر این جوان یما بر خیزید . ولی الا خطایش بانها از گونه دیگر است . مسکو بانها میگوید : برای من نیز جایی در کنار خود باز کنید ، از این جوان یما بمن نیز نصیبی دهید - فروش اسلحه و اعزام کارشناسان شوروی بایران از نتایج چنین تقسیم عناقشی است .

همه با هم در راه عارت - اینست موصع روزیونیستها در قبال امپریالیستها ، و اینست آنچه با دعای نویسنده نامه موجب تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران های اقتصادی خواهد شد !

نویسنده بمنظور تیرزه اسلحه فروشی شوروی بایران بطرح این سؤال میردازد : " آیا فروش اسلحه مانع از جنبش های دموکراتیک خواهد شد و آیا در صورت خود داری از فروش اسلحه ، دولت ایران در مضیقه اسلحه قرار خواهد گرفت ؟ " این سؤال شگفت انگیزی است . مسلماً هیچ فروش اسلحه نمیتواند برای همیشه از جنبش دموکراتیک جلو گیرد . و لسی آیا باین دلیل میتوان اسلحه فروشان را تیرزه کرد ؟ تاریخ نشان داد که کره های آدم سوری هیتلر نیز نمیتواند از قیام حلق ها جلو گیرد . ولی آیا باین دلیل میتوان آدم سوزی هیتلر را تیرزه کرد ؟ بدون تردید اگر آژود و بختیار هم نبودند محمد رضا شاه در یافتن جلا در مضیقه نمیماند . ولی آیا باین دلیل میتوان آژود و بختیار را تیرزه کرد ؟

تفاوت اسلحه فروشی روزیونیستها با اسلحه فروشی امپریالیستها در اینست که چون روزیونیستها خود را رؤسای دولت سوسیالیستی و جانشینان لنین - مجریان سیاستی بسود خلق ها میشمارند و هنوز بخشی از مردم جهان را در دام فریب خویش نگه داشته اند ، برود سیاسی سلاح آنان بر ضد خلق و بمراتب بیشتر و گلوله های آنان زهرناکتر از گلوله های امپریالیستهاست . اسلحه امپریالیستها فقط جسم مبارزان ایران را هدف میگیرد . و اسلحه روزیونیستها هم جسم و هم جان آنها را نشان میدهد . اسلحه فروشی شوروی بایران امری منفرد و تصادفی نیست بلکه یکی از ظواهر سیاست وی در عرصه جهان است . باید آژود در کنار احیاء سرمایه داری در شوروی و اجرای دیپلماسی محرمانه " تلفون سرخ " تقسیم جهان با آمریکا و بندوبست با امپریالیسم آمریکا بر سر انحصار بخت انبیء تسلیم طلبی در خا کوبا ، خیانت بمتابع خلق کنگو ، ایفاء نقش دورویانه در مورد جنگ قهرمانانه خلق ویتنام و تجاوز مسلحانه بر کشور چکاسلواکی ، تسلیم طلبی در مسئله برلن و فدا کردن حقوق جمهوری دموکراتیک آلمان ، انواع و اقسام بمنظور خاموش ساختن مقاومت مسلحانه خلق های عرب در برابر تجاوز اسرائیل ، پشتیبانی از دولت های دست نشانده آمریکای جنوبی ، همکاری با محمد رضا شاه ... نهاد تا بخواهی بتوان دریافت که این تیر از ترکش کیست .

عنوان جدید کتابتات : X GIOVANNA GRONDA 2030 VILLA D'ADDA/ITALY

حساب بانکی : X GIOVANNA GRONDA CONTO 12470/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

دست از چپین توده‌ای کوتاه!

تحریکات رویزیونیستی‌های شوروی در مرز جمهوری توده‌ای چین حادثه‌ای تصادفی نیست. این تحریکات نتیجه صریح سیاست سوسیال امپریالیست و سیاست احیای سنن تمدنی و تهاجم ترارهای روسیه است. با آنکه در گذشته در راستی سیاست و از هنانه امپریالیستها و تزارها قرارهای ظالمانه ارضی بر کشور چین تحمیل شده که قسطنطین بزرگی از خاک وی را جدا کرده جمهوری توده‌ای چین پیوسته آمادگی خود را اعلام داشته است که کلیه مسائل مرزی با همسایگان خویش را بر اساس سیاست صلح دوستی و احترامات متقابل و انتزاع سوسیال - ایسم پرولتری حل کند. ولی از آن زمان که رویزیونیستها قدرت را در حزب و دولت شوروی عصب کردند مسروانه و مزورانه از حل مسائل عسلی مرزی خود با جمهوری توده‌ای سرزمینزندان پیوسته با فئیدهای واهی یا چاد حوادت خونین تومیل میجوینند. تحریکات اخیر مرزی آنها بوی صفا اهمیت خاصی است.

رویزیونیستهای شوروی که در اثنای ریزوی انقلاب کیهنفرهنگی پرولتری از حیثیات رویزیونیسم در جمهوری توده‌ای چین مایوس شده و هوست به خشم آمدند تا بخردانه به تماشای قدرت روی آورد و بر ضنا وسیله‌ای برای حملات سیاسی بر جمهوری توده‌ای چین تراشیده اند. تحریکات اخیر رویزیونیستهای شوروی را باید در زمینه هتلاری آنها با امپریالیسم امریکا قرار داد. کیستند آنکه که امپریالیستها بر کشور چین دشمن خود را در وجود جمهوری توده‌ای چین این درواستوار سوسیالیسم را این مرکز انقلاب جهانی میبینند و دستی را که بر این جمهوری خنجر میکشد صمیمانه پیشارند. چه بود نیست که رویزیونیستهای شوروی بلافاصله پیرا آنک تحریکات مرزی را برپا کردند نزد امپریالیستهای امریکایی فرانسوی و آلمانی شتافتند و خود را در خورشید و در اندام و اطای آنها را حواستار شدند. بیبید و نیستند که امپریالیستهای امریکایی را بر آنها گشودند و بر بند و بست پرسرسلح اتسی موافقتهای کردند. راندن تا ننگهای رویزیونیستهای شوروی بر سر خلیج چکسلواکی و در رویزیونیستهای شوروی به منظور خاموش کردن جنبش مردمی وینام و جلوگیری از شکست قطعی مهاجمان امریکایی و معامله سرسروشست جمهوری در ماراتیک آلمان و تسلیم شدن به طوطه فاشیستهای آلمان در برلین، تشکک زدن بر سرای خلیج سلاح یا ریزانهای فلسطینی و سخن در ستوای خلیجهای عرب در برابر تهاجم سیمانه اسرائیل، تقویت رویزیونیستهای شوروی از کوشهای ساخته و پرداخته امپریالیسم امریکایی نظیر ریزوهای امریکایی جنوبی و ایران... و اینک تحریکات خونین در مرز جمهوری توده‌ای چین همه اینها مظاهر مختلف استاز سوسیالیسم شوروی و سوسیالیسم امریکایی است. جهان رویزیونیستهای شوروی میخواهند در روزه اگر آنرا نیندک میگیریم - نیکسون تحریکات ضد جمهوری توده‌ای چین را سر و پا بند و بست های تنگین جدید حیثیت کردند.

ضنا رویزیونیستهای شوروی امید دارند که حوادث مرزی با چین توده‌ای را وسیله‌ای برای تحکیم سیادت خود در میان پرشوق قرار دهند. کشور اروپای شرقی را پیش ازین ریزوچرا سارتیکشانند و سوسیالیسم را با راههای سیاسی سوق دهند. اما همه این تشبیهات جزا بنگه سقوط رویزیونیستها را تسویم کند نتیجه دیگری نخواهد داشت. رویزیونیستهای شوروی و امپریالیستهای امریکایی که در کردار این ارتشها و هادست و میبندند و غریق هر اسز در فرامیاندند که هر چه پیشتر یکدیگر را آویزند زود تر خود را خوار خواهند شد. شانتازاتی آنها نیز نمیتواند تخمها و نبات آنها باشد. چین توده‌ای با هفتصد میلیون جمعیتی که صلح باندیشنه بخش ماوتسه و ناستیبرای هرگز نمیشد. کاری در راه ما تترنا سوسیالیسم پرولتری آماده است. دست زدن بر سر توده‌ای بیست و هفتصد میلیون جهان همه خلیجهای شیفته آزادی بنام نیرو از چین توده‌ای دفاع خواهند کرد. حلق شوروی نیز از اراد کردن ضربه هتلاک رویزیونیستهای شوروی باز نخواهد ایستاد. حلق شوروی حلق بزرگی است و سوابق درخشان انقلابی دارد. وجود انقلاب کیهنفره سازنده نخستین دولت سوسیالیستی است. آموزش لنینی و استالینی الهام بخش است. هرگز نباید حلق شوروی را با رویزیونیستهای شوروی اشتباه کرد. هر چه رویزیونیستهای شوروی در راه پانزده ساله شانترس پنازند باید اری حلق شوروی زود تر صورت خواهد گرفت و در کنار خلیج چین و سایر خلیجهای جهان شریکون ساختن رویزیونیسم و امپریالیسم قیام خواهد کرد.

مرکز برترارهای معاصر
نبروند با جمهوری توده‌ای چین در استوار سوسیالیسم و مرکز انقلاب جهانی
برقرار یابد انتزاع سوسیالیسم پرولتری و همبستگی همه خلیجهای جهان بر ضد رویزیونیسم و امپریالیسم
برافراشتن با برچم پرور کرمارکس، انگلس، لنین، استالین و ماوتسه دون
سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

۱۳۴۸/۱/۱ - ۱۹۶۹/۲/۲۱

تجیرری از ترکش رویزیونیسم

نویسنده فراموش میکند که آن کشوری که بازار کشور دیگر را در قبضه خود بگیرد سوسیالیستی نمیتواند باشد. غارتگر است و امپریالیستی است و با سایر امپریالیستها هیچ تفاوت ماهوی ندارد. و کشوری که بازار خود را در قبضه خود نداشته باشد مستقل نیست و وابسته است. غارت زده است. انقلابیون و کومنیستهای واقعی ایران مبارزه میکنند تا بازار ایران را به قبضه خلق ایران بیاورند نه اینکه آن را از دست یضمکاری بد دست یضماکر دیگر انتقال دهند. خلق ایران نه به گن درز اول احتیاج دارد نه به گن درز دوم.
چه آرزوها که نویسنده از ورود کارشناسان شوروی در دل میپرواند ولی نمیکوید که منشأ این آرزوهای خوش چیست؟ کارشناسانی که محند رضاشاه را " رهبر خردمند ملت ایران " میدانند و دعا میکنند که سایه او از سر ملت ایران کم نشود. کارشناسانی که مجریان نرفته های توانمعماری محند رضاشاهی اند چه تفاوتی با کارشناسان امپریالیستی دارند؟ کارشناسانی که طرز بکار بردن آخرین مدل های اسلحه را به محند رضاشاه و آذکشان وی میآموزند چه درسی جز قبول اسارت بخلق ایران خواهند داد؟ کارشناسانی که رایشان شاه دو مخطوطه رقم موجود اند چه نسبتی با خلق ایران میتوانند داشته باشند جز نسبتی که مستشاران امریکایی دارند؟

صفحات معدود ماهنامه توفان امکان نمیدهد که نام های فراوان را که از ایران و خارج از ایران در پیرامین مسائل مختلف دریافت میاریم (و عموماً در تأیید مشی توفان است) منعکس کنیم. ولی یکی از آنها را که نوشته رفیق از ایران است و ارزیابیهای مخالف ارزیابیهای ما دارد بناچار باید متذکر شویم و مورد تحلیل قرار دهیم. زیرا که اولاً نمیتوان رفیق را که " تنها هدفش بهبود وضع نشریه توفان میباشد " بجزواب گذاشت و ثانیاً بحث درباره برخی از نکات نامه وی ممکن است برای خوانندگان دیگر نیز جالب باشد.
نویسنده طرفدار اسلحه فروشی شوروی به محند رضاشاه است و آنرا غیر از اسلحه فروشی امریکایی میدانند و بسود خلق ایران میشمارد. وی میگوید: در اینجا " مثلا میبایست مسائل ذیل مورد بحث قرار گیرد: ۱ - مقایسه بین ضرر معنوی فروش اسلحه در میان مردم ایران و ارزش مادی آن: نظیر ورود کارشناسان و قبضه نمودن بازار کشورهای امپریالیستی، ارزش تشدید تضاد بین کشورهای امپریالیستی و تشدید بحران های اقتصادی و اثرات مثبت و منفی دیگر...
نویسنده تحت تأثیر تبلیغات رویزیونیستها چنین می پندارد که اگر بازارهایی که امروز در قبضه کشورهای امپریالیستی است - و از آنجمله ایران - به قبضه کشورهای رویزیونیستی درآید این امر در جهت استقلال اقتصادی آنها و بسود خلق آنهاست

راه رهایی خلق کرد

نشریه مورخ ۶۸/۱۲/۱۲ "سازمان روشنفکران کرد ایران" ما را بر آن داشت که بار دیگر نظریات خود را درباره مسئله ملی و راه رهایی خلقهای ایران از سط ملی یاد آور شویم. نشریه نامبر مدعی است که " در داخل احزاب و سازمانهای ملی و شرقی نیز مسئله ملی و رامل صلح و پیگیری آن آنچنانکه شایسته است به صراحت مطرح نگردیده است. سازمان ما با انتشار دو سند در ماهنامه توفان با صراحت و بدون هیچگونه ابهام مسئله ملی را در ایران مطرح کرده و راه حل آنرا نشان داده است. از مدلول نشریه چنین برمیآید که دوستان کرد بنظریات مندرج در این دو سند توجهی میدول نداشته و یا نخواستند اند. بدول دارند و بجای آنکه لااقل مسئله ملی و بطور خاص مسئله ملیت ملی کرد را در ایران بشیوه خود مطرح ساخته و راه حل بر آن ارائه دهند. نظریاتی ابراز داشته اند که نه تنها برپوش کردن بر کتکی نمیرسانند بلکه برابها هم و عدم صراحت آن میافزاید.
ما بر آنیم که اقلیت ملی کرد در ایران بخشی از خلق باستانی کرد است که در نتیجه حوادث تاریخی قرون گذشته و حاضر در کشور ایران و عراق و ترکیمنند کی میکند؟ ما بر آنیم که خلق کرد در ایران نه تنها از منظر امپریالیسم و ارتجاع رنج میبرد بلکه گرفتار سط ملی نیز هست و سط ملی بطور عمد در محرومیت خلق کرد از زبان و فرهنگ ملی نگاه میکند؛ ماحق خلق کرد را در تعیین سرنوشت خویش محرومیت ما بریم و خاطر حقوق آن بار میسیم. ما غرور تساوای کامل حقوق خلق کرد با سایر خلقهای ایران هستیم و بر آنیم که فقط تساوای کامل میتواند خلق کرد را با دیگر خلقهای ایران در برابر امپریالیسم و حکومت دست نشانده آن در استقرار حکومت دمکراتیک نوین و در داخل این حکومت بر اساس دواطالی ضمد سازد. ما بر آنیم که حل مسئله ملی تنها در صورت پیروزی انقلابی و دمکراتیک برهبری طبقه کارگر ایران امکان پذیر است. تنها طبقه کارگر میتواند با آزاد ساختن خود از یوغ استعمار و استثمار خلق کرد را از سط ملی رهایی بخشد. تنها طبقه کارگر میتواند خلق کرد را با خلقهای دیگر ایران بر اساس تساوای کامل حقوق میقایونه دهد و متحد سازد.

تا این حقوق ملی خلق کرد در آنطور که رویزیونیستها شاهه می دهند، کار "یک حکومت دمکراتیک" نیست کار "حکومت دمکراتیک نوین" است که رهبری آن با طبقه کارگر است. ما شتیا ما است اکثریت مردم که در زیران یک حکومت دمکراتیک پرولتری به حل مسئله ملی خواهد پرداختند و نمونه سوسیالیسم را در پیش خود قرار خواهد داد. درست است که مسئله ملی در ایران در زمره اقدامات دمکراتیک است و نه سوسیالیستی، ولی در شرایط کنونی ایران و جهان این اقدام دمکراتیک مانند بسیاری از اقدامات دمکراتیک دیگر فقط با دست طبقه کارگر میتواند جامه عمل بپوشد.
اینها حقایقی است علم که مارکسیست - لنینیستها میبایست آن را باور دارند و هر بار ایرانی متعلق به پرک از خلقهای ایران که باشد، اگر او قادر باشد به حل مسئله ملی است بناچار باید در دنبال حل ملی آن روان گردد. هر راه دیگری و بویژه راه پیری از ناسیونالیسم پرولتری به بن بست خواهد انجامید و برای خلقهای متحد یه ایران آزادی و تساوای حقوق با رزمیان نخواهد آورد.
بعضی از ناسیونالیستهای کرد... شعار "کردستان واحد" را مطرح میسازند که باید اقلیت ملی کرد را در سه کشور ایران عراق و ترکیه در کشور واحد ولایت واحدی متحد سازد. باکمال ناسف باید گفت که این شعار در اوضاع و احوال حاضر تحقق پذیر نیست و هر کوششی در جهت آن بهطل آید بجای آنکه آزادی خلق کرد مد درمساند آنرا تاخیر میاندازد. بنظر ما یگانه راه رهایی خلق کرد اینست که اقلیت ملی کرد در هر یک از کشورهای سه گانه فوق، باید همراه دیگر خلقهای کشوری که در آن بقیه درص ۲

رهائی خلق ایران در پی پیروزی جنگ توده‌ای است